

دوره دهم – سال سوم

شماره چاپ: ۱۲۸۰

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷/۱۱/۸

شماره ثبت: ۵۳۶

اظهارنظر کارشناسی درباره:  
«طرح انتزاع امور جوانان از وزارت ورزش و جوانان و  
تشکیل سازمان ملی جوانان»  
(کلیات)

کد موضوعی: ۲۷۰

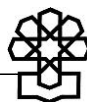
شماره مسلسل: ۱۶۴۶۴

خردادماه ۱۳۹۸

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	لزوم اصلاح ساختار و تشکیلات کلان دولت
۶	سیر تغییرات ساختاری امور جوانان
۸	مهم‌ترین چالش‌های اداره امور جوانان
۱۱	اظهارنظر کارشناسی طرح ارائه شده؛ «مؤلفه‌های تغییر ساختار سازمانی»
۱۳	بررسی کارشناسی طرح (تشکیل سازمان ملی جوانان تابع ریاست جمهوری)
۱۶	سناریوهای احتمالی برای حل موضوع
۲۱	جمع‌بندی و پیشنهاد



اظهارنظر کارشناسی درباره:  
«طرح انتزاع امور جوانان از وزارت ورزش و جوانان و  
تشکیل سازمان ملی جوانان»  
(کلیات)

چکیده<sup>۱</sup>

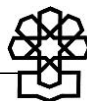
تعدد شمار معاونت‌های ریاست‌جمهوری، لزوم کوچک‌سازی دولت و پاسخگو نبودن سازمان مزبور به مجلس شورای اسلامی و عملکرد نامناسب آن، تا جایی پیش رفت که قانونگذار به انحلال سازمان مزبور و ادغام آن با سازمان تربیت بدنی در قالب وزارت ورزش و جوانان روی آورد. با این حال، انتزاع امور جوانان و بازگشت به گذشته طی این سال‌ها از سوی دولت و مجلس مطرح شده است؛ بررسی کارشناسی نشان می‌دهد مفاد طرح پیشنهادی از حیث رعایت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی و مفاد بند «الف» ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه محل تأمل است. به علاوه از منظر دیگر کارآمدی اجرایی و بوروکراسی نظام اداری تابع علل و عواملی است که ساختار و تشکیلات یک وجه آن است. بنابراین پیشنهاد می‌شود انتظارات قانونگذار از ساختار متولی امور جوانان در قالب مأموریت‌ها، وظایف و اختیارات و حمایت‌های حقوقی لازم در حوزه مزبور به صورت قانونی تصویب شود و سرانجام بازآرایی و بازتعریف ساختار کلان کشور مورد توجه قرار گیرد.

۱. گزارش پیش رو ناظر به کلیات است و اظهارنظر در خصوص جزئیات در قالب گزارش دیگری منتشر می‌شود.

لکن در صورت اصرار نمایندگان محترم مبنی بر کارآمدی ساختار متولی امور جوانان پیشنهاد می‌شود سازمان امور جوانان تابع وزارت ورزش و جوانان با ماهیت حقوقی و مالی مستقل در قالب لایحه اهداف و وظایف وزارت ورزش و جوانان ایجاد شود و در غیر این صورت «سازمان امور جوانان» مشروط بر موافقت دولت (جهت رفع ایراد اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی) و رعایت اصل عدم توسعه تشکیلاتی با شرح وظایف مشخص و قانونی در دستور رسیدگی قرار گیرد.

## مقدمه

هیئت وزیران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶، انتزاع امور جوانان از وزارت ورزش و جوانان و تشکیل سازمان ملی جوانان تحت نظر ریاست جمهوری را در قالب لایحه اصلاح بخشی از ساختار دولت، ارائه کرد. کلیات لایحه در جلسه کمیسیون مشترک مربوط و متعاقباً در صحن علنی رد شد. با این حال، اینک ماده (۳) لایحه مذکور در قالب طرح انتزاع امور جوانان از وزارت ورزش و جوانان و تشکیل سازمان ملی جوانان به شماره ثبت (۵۳۶) اعلام وصول و در دستور رسیدگی مجلس قرار گرفت. در این گزارش، نخست لزوم ساختار کلان دولت بررسی، سپس سیر تاریخی ساختار امور جوانان و مهم‌ترین چالش‌های مربوطه بررسی می‌شود و سرانجام طرح پیشنهادی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.



## لزوم اصلاح ساختار و تشکیلات کلان دولت

اصلاح ساختار و تشکیلات کلان دولت مسئله‌ای است که طی سنوات اخیر همواره مورد توجه نمایندگان و کمیسیون‌های تخصصی مجلس و همچنین قوه مجریه بوده است که عمدتاً با هدف تقویت توان نظارتی مجلس شورای اسلامی، بهبود کیفیت خدمات عمومی، متناسب‌سازی اندازه دولت و جلوگیری از تداخل و تشابه مأموریت‌ها ارائه می‌شود. از جمله طرح‌هایی که طی سنوات اخیر در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### الف) طرح‌های قبلی

- طرح تشکیل وزارت ورزش و جوانان و رفاه
- طرح تشکیل وزارت زنان
- طرح ادغام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صنایع دستی در وزارت صنایع
- طرح ادغام وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی
- طرح ادغام وزارتخانه‌های نیرو و نفت
- طرح ادغام وزارت رفاه در وزارت بهداشت

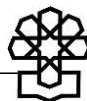
### ب) طرح‌های فعلی

- طرح تشکیل وزارت امور شهدا و ایثارگران
- طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی
- طرح تشکیل وزارت محیط زیست و منابع طبیعی و...

طرح‌های مذکور بیانگر این امر است که مجلس شورای اسلامی همواره اصلاح ساختار و تشکیلات کلان را مدنظر داشته و همواره به عنوان یک راه‌حل اساسی مورد توجه قرار داده است، حال آنکه این نکته همواره مورد غفلت واقع شده که بوروکراسی و نظام اداری و اجرایی حاکم بر یک کشور، نظامی چندوجهی است که تشکیلات و سازمان کار، تنها یک وجه آن است. در عین حال این نکته نیز مغفول مانده که مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند بدون مشارکت قوه مجریه ساختار و تشکیلات دولت را مورد بازنگری و بازمهندسی قرار دهد به نحوی که اهداف فوق‌الذکر را تأمین کند و طبیعتاً اصلاح ساختار دولت بدون پشتوانه علمی و مطالعاتی نمی‌تواند منجر به کارآمدی و پاسخگویی دولت شود.

بررسی دیگر قوانین کشور که عمدتاً در قالب طرح نمایندگان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است نیز «تئوری تقویت نظارت و پاسخگویی مجلس از طریق اصلاح ساختار و تغییر شخصیت حقوقی دستگاه‌های اجرایی» را به چالش می‌کشد، چراکه تصمیمات مجلس شورای اسلامی در بسیاری از موارد نه تنها منجر به تقویت نظارت‌پذیری دستگاه‌های اجرایی نشده، بلکه در بسیاری از موارد به کاهش نظارت و خروج دستگاه‌های اجرایی کشور از شمول قوانین عمومی نظیر قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون محاسبات، قانون مناقصات و... منتج شده است که مصادیق متعددی نظیر خروج سازمان‌های توسعه‌ای موضوع ماده (۵) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ و خروج شرکت‌های تابعه وزارت نفت موضوع ماده (۱۰) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱، را می‌توان برشمرد.

در همین حال قوه مجریه نیز طی سال‌های اخیر پیشنهادهایی را در زمینه این تغییرات تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده است که از جمله می‌توان به لایحه تشکیل



وزارت صنعت، معدن و تجارت، تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت راه و شهرسازی اشاره کرد که بر اساس تکلیف دولت به کاهش تعداد وزارتخانه‌ها در قانون برنامه پنجم توسعه تقدیم مجلس شد و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از تشکیل وزارتخانه‌های مذکور، دولت لایحه «اصلاح بخشی از ساختار دولت» را به منظور «انتزاع سازمان ملی جوانان از ذیل وزارت ورزش و انتقال آن ذیل نهاد ریاست جمهوری»، «انتزاع وظایف حوزه تجارت از وزارت صنعت، معدن و تجارت و تشکیل وزارت بازرگانی» و «انتزاع وظایف حوزه حمل‌ونقل و ترابری از وزارت راه و شهرسازی و تشکیل وزارت راه و ترابری» به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است. ارائه این لایحه در واقع پذیرش این امر است که ادغام‌های مورد نظر دولت در سال ۱۳۹۰ که بر اساس تکلیف ماده (۵۳) قانون برنامه پنجم توسعه صورت پذیرفته، بدون پشتوانه علمی بوده و صرفاً هزینه‌هایی را به کشور تحمیل کرده است.

به نظر می‌رسد این امر ناشی از ضعف در تئوری دولت و پارادایم مشخص در حوزه ساختار کلان دولت در کشور است که بارها ساختارهای موجود را دچار تغییر و بازگشت به ساختار مجدد کرده است. فقدان نگاه واحد و فهم مشترک از ساختار و تشکیلات دولت منجر به تصمیماتی شده که نتیجه آن آشفتگی و سردرگمی نظام اداری است و هرگز منجر به تقویت پاسخگویی و شفافیت دولت نشده است. همچنین انرژی و منابع فراوانی مصروف بررسی، تصویب و اجرای سیاست‌هایی شده که در میان خیل وسیع مشکلات و معضلات کشور، کمترین نتیجه مثبت را به همراه داشته است.

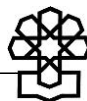
این نکته کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد که ساختارها اساساً فاقد اصالت بوده و ابزاری به شمار می‌روند تا بتوان به مدد آنان وظایف و مأموریت‌ها را به بهترین شکل به

انجام رساند. البته با توجه به تغییر نقش دولت‌ها در ادبیات حاکم و تغییراتی که در نقش و اندازه و راهبردهای دولت در ایران طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفته، طبیعتاً بازنگری در تغییرات کلان دولت امری است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین شایسته است به جای تغییرات موردی و موضعی که غالباً بدون بررسی و پشتوانه نظری کافی صورت می‌پذیرد و مصادیق متعددی از شکست اهداف مورد نظر از تغییرات ساختاری را می‌توان برشمرد، وقت آن است که مجلس شورای اسلامی بازنگری در تشکیلات کلان دولت را از طریق تصویب قانون و پیش‌بینی سازوکارهایی که موجبات اجرای قانون را فراهم سازد، از دولت مطالبه کند. البته چنانچه مجلس در مورد نقش‌ها و وظایف دولت نظریات خاصی داشته باشد می‌تواند اهداف و استراتژی‌های بلندمدتی را برای دولت تعیین و در نتیجه تشکیلات متناسب آن را ایجاد نماید.

### سیر تغییرات ساختاری امور جوانان

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سازمان‌ها و نهادهایی وجود داشتند که بر اساس اهدافی مشخص و در چارچوب نظامی خاص از برنامه‌ریزی و سازماندهی، مسائل مربوط به جوانان را مدیریت می‌کردند؛ سازمان‌هایی مانند سازمان ملی پیشاهنگی، سازمان ملی خدمات اجتماعی و خانه جوانان فعال بودند. با این حال<sup>۱</sup>، در جمهوری اسلامی ایران مسئله جوانان پس از بوم جمعیتی دهه ۱۳۶۰ مورد توجه سیاستگذاران و مقامات ارشد نظام قرار گرفت. پیش‌بینی برای شکل‌گیری جمعیت بالای جوان در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ از یک سو و نیز

۱. برگرفته از دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام - کمیته خاص بانوان و جوانان. بررسی وضعیت مدیریت راهبردی (سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، ساختار، منابع، نظارت و ارزشیابی) در حوزه جوانان.



نیاز به پی‌ریزی‌های لازم برای بسیج منابع کشور جهت سازندگی دوران پس از جنگ و ظرفیت‌سازی برای رشد و پیشرفت کشور در دهه‌های آینده و در کنار آن لزوم مبارزه با تهاجم فرهنگی که توسط کشورهای غربی علیه نسل جوان از دهه ۱۳۷۰ (پس از جنگ تحمیلی) شدت گرفته بود و موجب توجه جدی نظام جمهوری اسلامی ایران به نسل جوان گردید. از این‌رو، شورای عالی جوانان در سال ۱۳۷۱ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس و مقرر شد به ریاست رئیس‌جمهور و عضویت وزرا و رؤسای دستگاه‌های مرتبط به عنوان نهاد مسئول سیاستگذاری امور جوانان فعالیت نماید. در واقع، شورای عالی جوانان نهادی جدیدالتأسیس بود که باید یک خلأ سیاستی خاص را در کشور پُر می‌کرد و آن اعمال مدیریت راهبردی یکپارچه بود. تا قبل از آن دستگاه‌های مختلف به صورت بخشی و در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های بخشی خود مسائل جوانان را دنبال و به سهم خود برای بهبود وضعیت جوانان تلاش می‌کردند. اما، تغییر هرم سنی، ایجاد شکاف نسلی، پیگیری نیازها و مطالبات نسل جوان و تحولات اجتماعی و سیاسی باعث شد تا دولت وقت در سال ۱۳۷۸ به تأسیس «مرکز ملی جوانان» روی آورد. به علاوه، نقش مؤثر جوانان در پیروزی دولت وقت باعث شد تا مسئله جوانان به کانون سیاستگذاری تبدیل شود. بلافاصله پس از یک سال، به موجب مصوبه مجلس ششم، مطابق ماده (۱۵۷) قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) سازمان ملی جوانان را جایگزین مرکز ملی جوانان کرد.<sup>۱</sup> سازمان ملی جوانان نیز از سال ۱۳۷۹ فعالیت

---

۱. «ماده (۱۵۷) - با عنایت به اهتمام ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به حل مسائل جوانان و اعتلا و رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های این نسل عزیز، مرکز ملی جوانان به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور به صورت ساختار و سازمان کار متناسب با این مأموریت به سازمان ملی جوانان تبدیل می‌گردد تا وظایف اساسی ذیل را بر عهده گیرد:  
الف) سازمان ملی جوانان موظف است برنامه جامع ملی ساماندهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه نقش و مأموریت‌های اساسی دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان نظیر نیروی مقاومت بسیج و توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی را تهیه و تدوین نماید.

خود را تا سال ۱۳۸۹ ادامه داد که با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بود. سرانجام، در سال ۱۳۸۹ به موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی، سازمان ملی جوانان با سازمان تربیت بدنی ادغام و وزارت ورزش و جوانان تأسیس شد تا از آن پس به عنوان نهاد مسئول امور جوانان مسائل مهمی همچون اعمال مدیریت راهبردی در امور جوانان را پیگیری نماید.

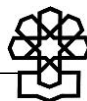
### مهم‌ترین چالش‌های اداره امور جوانان

هرچند تجربه بیش از دو دهه تلاش برای سازماندهی امور جوانان در ایران قرین موفقیت‌هایی بوده است، اما به هیچ‌وجه به اهداف خود در حل مسائل جوانان نائل نشده است. در مجموع، برای این عدم موفقیت علل مختلفی را می‌توان برشمرد که در چهار دسته عوامل بافتاری، رفتاری، هنجاری و ساختاری قابل طبقه‌بندی است:<sup>۱</sup>

بنابراین، مسئله ناکارآمدی نظام ساماندهی امور جوانان در سطح کلان به «علل بافتاری» مرتبط است. در واقع، عدم توفیق در این زمینه انعکاس ناکارآمدی نظام کلان اقتصادی و اجتماعی کشور است که در حوزه امور جوانان نیز بروز یافته است. برای مثال، زمانی که ساختار اقتصاد و بازار کار و یا نظام رفاه و تأمین اجتماعی در کشور با چالش‌های جدی مواجه باشد،

(ب) شناسایی و پیگیری و واگذاری آن دسته از فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی که می‌تواند با پیش‌بینی تمهیدات لازم از طریق سازمان‌های غیردولتی جوانان انجام گیرد.  
(ج) برای تحقق مواردی که نیاز به تهیه طرح دارد، سازمان ملی جوانان بر حسب مورد طرح‌های لازم شامل اهداف، اصلاحات سازمانی، تسهیلات مالی، حمایت‌های اجرایی از تشکلهای غیردولتی را تهیه نماید.  
آیین‌نامه اجرایی این ماده مشتمل بر نحوه همکاری بین سازمان ملی جوانان و دستگاه‌های اجرایی، به پیشنهاد مشترک سازمان ملی جوانان و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید».

۱. علی‌اکبر تاج مزینانی، **الگوی سیاستگذاری و مدیریت یکپارچه مشارکتی (شبکه‌ای) برای سازماندهی امور جوانان در ایران، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۳۹۴.



سیاست خارجی در وضعیت متلاطم قرار داشته و تحریم‌های پی در پی بر اقتصاد وارد شود، نمی‌توان انتظار داشت که حوزه جوانان از این وضعیت مستثنا باشد. همچنین، ضعف فرهنگ اداری کار گروهی و بین بخشی در کشور باعث می‌شود که در حوزه‌هایی که جنس کار سیاستگذاری و هماهنگی عمدتاً فرابخشی و بین دستگاهی بوده و مستلزم کار گروهی گسترده است، توفیقات کمتری نسبت به حوزه‌های صرفاً بخشی و بیشتر اجرایی وجود داشته باشد. سرانجام اینکه ضعف بخش خصوصی و بخش سوم (شامل نهادهای مدنی و داوطلبی، تعاونی‌ها و خیریه‌ها) در کاستن از بار دولت و ایفای نقش در جهت توسعه امور جوانان نیز عاملی قابل توجه است. البته شایان ذکر است که رویکرد دولت‌ها نیز هرچند در ارتباط با این دو بخش متفاوت و دارای نوسان بوده است، اما در مجموع زمینه لازم برای توانمند شدن آنها را جهت نقش‌آفرینی فعال فراهم نکرده است.

همچنین، بخشی از این مسئله ناشی از «علل رفتاری» است که شامل اموری همچون نوع رابطه رئیس‌جمهور با رئیس سازمان ملی جوانان/ وزیر ورزش و جوانان، نوع نگاه رؤسای جمهور وقت به حوزه جوانان و نوع علائق و رویکرد مدیریتی رئیس سازمان ملی جوانان/ وزیر ورزش و جوانان می‌شود. علاوه بر این، تفاوت‌های قابل اعتنایی در رویکرد و علائق مدیریتی مسئولان عالی‌رتبه نهاد اصلی متولی امور جوانان می‌توان مشاهده کرد. برخی از آنان توجه و علاقه زیادی به بُعد پژوهشی و مطالعاتی داشته و به دنبال انجام طرح‌های پژوهشی هرچه بیشتر و بزرگتر بوده‌اند، برخی عمده تلاش خود را مصروف تدوین اسناد و برنامه‌های مرتبط با سازماندهی امور جوانان و تصویب آن در شورای عالی جوانان نموده‌اند، برخی عمدتاً خود را درگیر حوزه‌ای محدود از اجرا نظیر برگزاری جشنواره‌های متعدد و مختلف کرده‌اند و دوره‌ای نیز علائق ورزشی مسئولان باعث توجه بیشتر به مسائل و حاشیه‌های این حوزه شده است.

در سطحی بنیادی‌تر، «علل هنجاری» نقش مهمی در نحوه سازماندهی امور جوانان در نظام سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور دارد. ابهام در رویکرد نظری به جوان و جوانی، یکی از این علل است؛ برای مثال، گاهی اوقات باعث می‌شود جوان و جوانی بیشتر به مثابه فرصت و منبع توسعه و گاهی نیز به عنوان تهدید و منشأ مشکل تلقی شود. ابهام در رویکرد نظری به مدیریت امور جوانان را نیز می‌توان در زمره علل هنجاری در نظر گرفت، زیرا انتخاب یکی از سه رویکرد مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین و خدمات عمومی نوین در ابعاد مختلف از جمله نقش و میزان مداخله دولت، استلزامات متفاوتی دارد. همین ابهام‌ها باعث ایجاد تشتت در رویکرد نظری به مشارکت جوانان و در نتیجه، ابهام در جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد نمایندگی‌کننده منافع جوانان در سازماندهی امور مربوط به خود شده و حتی ضربه‌های جبران‌ناپذیری به سرمایه اجتماعی جوانان وارد ساخته است.

سرانجام اینکه، «علل ساختاری» نیز در بروز این ناکامی نقش غیرقابل انکاری دارد. نامناسب بودن ساختار متولی ساماندهی امور جوانان به ویژه در دوره ادغام با حوزه ورزش - که در قالب‌هایی نظیر مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی امور جوانان و همچنین مشخص نبودن جایگاه اسناد خاص جوانان در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور بروز یافته است - تغییرات پی در پی ساختاری و مدیریتی نهاد متولی امور جوانان (که از جمله باعث عدم انباشت تجربیات مطالعاتی و سیاستی و سردرگمی و کاهش انگیزه کارکنان این نهاد شده است) و تعریف نشده بودن رویه‌ها و فرایندهای سازماندهی افقی و عمودی (از جمله ابهام در جایگاه برنامه‌های خاص جوانان در نظام بودجه‌ریزی کشور، فقدان نظارت و ارزیابی کارآمد در نظام سازماندهی امور جوانان، فقدان ضمانت اجرای اسناد و برنامه‌ها و همچنین نوسان بین تمرکزگرایی و منطقه‌گرایی در



دستگاه‌های امور جوانان قابل مشاهده است) بر خروجی این خرده‌نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آثار سوئی را بر جای گذاشته است.

نکته‌ای که در جمع‌بندی مطالب این بخش باید به آن اشاره کرد این است که علل ساختاری تنها بخشی از این ناکامی را تبیین می‌کند و برای ریشه‌یابی این مسئله باید مجموعه عوامل را در نظر گرفت. این نکته برای تفکر درباره آینده نیز بسیار حائز اهمیت است و ما را به این امر رهنمون می‌سازد که با تغییر و بهینه‌سازی ساختار، صرفاً بخشی از علل برطرف می‌شود و نمی‌توان از صرف تغییر ساختاری انتظار معجزه داشت.

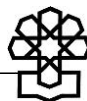
### اظهار نظر کارشناسی طرح ارائه شده؛ «مؤلفه‌های تغییر ساختار سازمانی»

در مقدمه توجیهی طرح پیشنهادی مقرر شده است؛ مشکلات جوانان از جمله بیکاری و ازدواج نیازمند ساختاری چابک و مستقل است تا ضمن پیگیری امور به رفع چالش‌های مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در این حوزه بپردازد. لذا، همانند لایحه اصلاح بخشی از ساختار دولت، آنچه مجدداً توسط طراحان محترم به عنوان راهکار ارائه شده، اعمال تغییرات ساختاری است. این حجم از تغییرات ساختاری و رفت و برگشت‌ها نشان از آن دارد که غالباً در هنگام تصمیم‌گیری به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مؤثر بر بهره‌وری و کارآمدی سازمان توجه لازم صورت نمی‌پذیرد و همواره راهکار حل مسائلی از این نوع، در تغییرات ساختاری جستجو می‌شود. حال آنکه تجارب مشابه در زمینه مباحث ادغام و انفکاک در نظام اداری گویای این حقیقت است که مادامی که در محتوا و مفاهیم سازمان جدید و وظایف و مأموریت‌های آن

سازمان تغییر و تحولی اتفاق نیفتد صرف تغییر در ساختار سازمانی که هزینه‌های زیادی را نیز تحمیل می‌کند از اثربخشی لازم برخوردار نخواهد بود.

لذا، یکی از پُر تعدادترین پیشنهادهایی که در هر دوره مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود، تشکیل، تفکیک یا ادغام دستگاه‌هاست. مشکلاتی چون ضعف فرایندهای کارشناسی در نظام اداری کشور، کمبود شواهد و اطلاعات معتبر و شتابزدگی تصمیم‌گیران برای دستیابی سریع به راه‌حل موجب شده «تغییرات ساختاری» همواره راه‌حلی آماده و سهل‌الوصول باشد. این در حالی است که تغییرات ساختاری تنها یکی از انواع راه‌حل‌هایی است که جهت حل مشکلات سیاستی می‌تواند طرح شود. از منظر دیگر، طی این سال‌ها همواره دو متغیر اساسی برای پیش‌بینی ماهیت حقوقی سازمان‌های دولتی مدنظر نظام حکمرانی و قانونگذاری کشور بوده است؛ یکی حُسن انجام وظایف و مأموریت‌های سازمانی و دوم نظارت‌پذیری و نحوه تعامل و رابطه سازمان مدنظر با نهادهای نظارتی. اگرچه به نظر می‌رسد اولی تا حدود زیادی منوط به رعایت دومی است، اما آنچه حائز اهمیت است اینکه دو مقوله فوق‌الذکر تا حدود زیادی به این بستگی دارند که نخست مأموریت‌ها و وظایف چه باید باشند و در ثانی ساختار مطلوب برای تحقق این مأموریت‌ها چگونه می‌بایست تعریف شود. بنابراین، ضروری است ابتدا مأموریت‌های محوله و سازوکار مربوط ترسیم و سپس ساختار متناسب با آن پیش‌بینی شود. در این باره، در حوزه جوانان غالباً وظایف و مأموریت‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

**الف) امور فرابخشی:** مأموریت‌ها، وظایف و نیازهای جوانان در حوزه مسکن، ازدواج و اشتغال جوانان است که بین سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف تقسیم و تسهیم شده و دستگاه متولی امور جوانان می‌بایست نسبت به برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، هماهنگی و نظارت در حوزه‌ها



اقدام کند.

ب) **امور بخشی:** مأموریت‌ها، وظایف و نیازهای جوانان در حوزه مشارکت اجتماعی و اوقات فراغت جوانان است که دستگاه متولی امور جوانان می‌بایست ضمن هماهنگی و استفاده از ظرفیت دیگر دستگاه‌های اجرایی، خود به اجرا و ساماندهی امور مربوط جهت افزایش مشارکت اجتماعی و غنی‌سازی اوقات فراغت بپردازد.

با این حال برخی بر این اعتقادند که وظیفه دستگاه متولی امور جوانان محدود و معطوف به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و هماهنگ‌سازی امور فرابخشی و بخشی - هر دو - دستگاه‌های اجرایی مربوطه است.

### بررسی کارشناسی طرح (تشکیل سازمان ملی جوانان تابع ریاست جمهوری)

#### الف) از منظر حقوقی

- **مغایرت با اصل چهارم قانون اساسی:** شمول اهداف و مأموریت‌های مذکور به بخش غیردولتی، در برخی از مصادیق شبیه مغایرت با اصل چهارم قانون اساسی را دارد.

- **مغایرت با اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی:** شمول اهداف و مأموریت‌های در نظر گرفته شده در ماده (۱) طرح برای سازمان ملی جوانان به خارج از قوه مجریه، مغایر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی است. علاوه بر این برخی از اهداف و مأموریت‌های در نظر گرفته شده در ماده (۱) طرح برای سازمان ملی جوانان، با اهداف و وظایف «شورای عالی جوانان» مذکور در مواد (۲) و (۳) «اساسنامه شورای عالی جوانان»<sup>۱</sup> مصوب ۱۳۷۱/۵/۶ شورای

#### ۱. ماده (۲) - اهداف

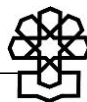
۱. رشد متعادل و همه‌جانبه شخصیت جوانان بر اساس اصول، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی،

عالی انقلاب فرهنگی با اصلاحات بعدی، تداخل دارد و لذا اطلاق حکم ماده (۱) طرح، مغایر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی است.

به علاوه، بند «۱۰» سیاست‌های کلی نظام اداری، بر چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی ساختن تشکیلات نظام اداری تأکید دارد. همچنین بند «الف» ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه مقرر می‌دارد حجم، اندازه و ساختار دستگاه‌های اجرایی کشور در طول اجرای قانون برنامه، می‌بایست حداقل به میزان ۱۵ درصد کاهش یابد.

در اثر ادغام سازمان ملی جوانان در وزارت ورزش و جوانان، «۴ معاونت و ۱۲ اداره کل ستادی سازمان به یک معاونت و حداکثر ۴ دفتر در وزارتخانه ورزش و جوانان» کاهش

۲. تأمین نیازهای فکری و اجتماعی، جسمی، روحی و تلطیف و هدایت عواطف و احساسات جوانان،
  ۳. فراهم کردن زمینه‌های مشارکت جوانان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی کشور،
  ۴. حفظ و تقویت نشاط و شادابی جوانان در جهت عظمت و سربلندی ایران اسلامی.
- ماده (۳) - وظایف**
۱. بررسی نقش و عملکرد نهادها و سازمان‌هایی که در امور جوانان مسئولیت دارند و نیز ایجاد هماهنگی در دستگاه‌هایی که وظایف آنها به نحوی با مسائل جوانان مربوط می‌شود،
  ۲. مطالعه و تدوین شیوه‌های بهتر آشنا کردن جوانان با حقایق و معارف و تاریخ و تمدن اسلامی و ایرانی با همکاری دستگاه‌ها و افراد ذی‌صلاح،
  ۳. کمک به فراهم آوردن زمینه داور صیح و منطقی نسل جوان نسبت به تمدن و فرهنگ غرب و تفکیک جنبه مثبت و منفی آن از یکدیگر و شناخت روحیه انحصارطلبی و ماهیت استکبار،
  ۴. پشتیبانی از تحقیقات در مورد خصوصیات روحی، اخلاقی، فکری و عاطفی جوانان و اهتمام در بهره‌گیری از آنها در برنامه‌های جوانان و کمک به تربیت نیروی متخصص برای این منظور،
  ۵. معرفی شخصیت‌های متعالی برای زندگی انسان و به خصوص نسل جوان،
  ۶. زمینه‌سازی مناسب برای ابراز شخصیت جوانان و مطالعه راه‌های مبارزه با سنت‌های ناروا و عوامل برخورد‌های تحقیرکننده جوانان،
  ۷. مساعدت در جهت ایجاد و توسعه کانون‌ها و مراکز اجتماعی و فعالیت خلاق جوانان و حمایت از خلاقیت‌های فرهنگی، هنری، علمی و ورزشی برای جوانان،
  ۸. مطالعه و بررسی زمینه‌های مناسب برای اشتغال و ازدواج جوانان و حمایت از ایجاد و توسعه واحدهای مشاوره‌ای،
  ۹. تصویب آیین‌نامه‌های شورای عالی جوانان، تعیین نوع و وظایف کمیسیون‌ها و تعیین وظایف دبیر و دبیرخانه،
  ۱۰. تعیین اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوانان و تدوین راهکارهای مناسب،
  ۱۱. ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های دستگاه‌های مرتبط با امور جوانان.



یافته است. لذا از آنجایی که ایجاد مجدد سازمان ملی جوانان منجر به افزایش اندازه دولت خواهد شد، علاوه بر ایراد اصل هفتادوپنجم قانون اساسی به دلیل تحمیل بار مالی که منابع تأمین آن پیش‌بینی نشده است، سیاست‌های مرتبط با کوچک‌سازی دولت از قبیل کاهش پست‌های سازمانی را مخدوش می‌نماید و با مفاد مقرر در ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه از قبیل کاهش سطوح مدیریت، کاهش پست‌های سازمانی، انحلال و ادغام سازمان‌ها و مؤسسات و... مغایر است.

مضافاً اینکه، مشخص نیست منظور از عبارت «با شخصیت حقوقی مستقل و وابسته به ریاست جمهوری» صدر ماده (۱) طرح، ایجاد معاون برای رئیس‌جمهور است یا نه و از این جهت ابهام دارد. اگر منظور از این عبارت، ایجاد معاون برای رئیس‌جمهور باشد، حکم صدر ماده (۱) طرح، مغایر اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی خواهد بود از این حیث که ایجاد معاونت برای رئیس‌جمهور برای انجام وظایف قانونی خود، از اختیارات ایشان است.

### ب) از منظر عملکردی

وجود مشکلات و مسائل مربوط به جوانان در زمینه‌های مذکور تا پیش از سال ۱۳۸۹ نیز که نهادی مستقل تحت عنوان سازمان ملی جوانان (پیش از ادغام) وجود داشت، شاهدی بر این مدعاست که با اعمال تغییرات صرفاً ساختاری نمی‌توان مشکلات و مسائل یک حوزه را حل کرد.

به علاوه، نظارت‌ناپذیر بودن و پاسخگو نبودن به قانونگذار، ناتوانی در حل مسائل فرابخشی و نیز ناتوانی در ساماندهی تشکلهای غیردولتی به جهت تعدد مراجع تصمیم‌گیر

در این باره (مانند وزارت کشور و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی)، از جمله مواردی است که مطلوب بودن ساختار مدنظر طرح پیشنهادی را با ابهام مواجه می‌کند.

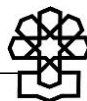
### سناریوهای احتمالی برای حل موضوع

#### الف) سناریوی اول؛ حفظ وضعیت موجود (معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان)

هرچند، مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد ساختار دولتی امور جوانان بیش از ۷۰ کشور دنیا مبتنی بر وزارت ورزش و جوانان است و شرح فعالیت و وظایف مشخصی برای وزارت مزبور به صورت قانونی تصویب نشده است که بر اساس آن تحلیل جامعی انجام شود، اما به انزوا رفتن جوانان در مقابل ورزش، ناتوانی در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت امور جوانان و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها جهت پرداختن به مأموریت‌های فرابخشی حوزه جوانان، ضعف در استفاده از ظرفیت‌های دیگر دستگاه‌ها جهت غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان از جمله مواردی است که نشان می‌دهد، عملکرد وضعیت کنونی چندان قابل دفاع نیست، هرچند ممکن است این امر ناشی از فقدان قوانین و احکام الزام‌آور برای وزارت ورزش و جوانان باشد.

#### ب) سناریوی دوم؛ سازمان امور جوانان تابع وزارت ورزش و جوانان

تشکیل این سازمان در قالب قائم مقام یا معاون وزیر در حوزه جوانان احتمالاً با داشتن ردیف مستقل بودجه‌ای، به حل مناقشه تخصیص بودجه، عملکرد مالی و استقلال اداری



امور جوانان کمک می‌کند، لکن ممکن است در اجرای برخی از وظایف بین بخشی و فرابخشی از جمله هماهنگی و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و نظارت بر امور جوانان چندان راهگشا نباشد. با این حال، تعیین سازوکار حقوقی و تصویب مأموریت‌های مربوط از سوی مجلس شورای اسلامی در قالب لایحه اهداف وظایف وزارت ورزش و جوانان می‌تواند به کارآمدی این ساختار کمک کند.

### ج) سناریوی سوم؛ سازمان ملی جوانان به عنوان معاون رئیس‌جمهور

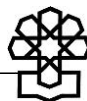
از دلایل ادغام سازمان ملی جوانان و سازمان تربیت‌بدنی و تشکیل وزارت ورزش و جوانان می‌توان به افزایش کارایی، ارائه خدمات مؤثرتر و نظارت‌پذیری بر این امور اشاره کرد. بررسی سوابق و مبانی تجربی نشان می‌دهد که مشکلات بخشی و فرابخشی حوزه‌های مختلف با انتزاع و تفکیک از سطح زیر نظر وزیر و ارتقای آن به معاونت زیر نظر رئیس‌جمهور برطرف نخواهد شد؛ به طوری که بسیاری از مسائل در سایر حوزه‌ها وجود دارد که این گونه تغییرات به رفع مشکلات منتهی نشده است.<sup>۱</sup> با چنین استدلالی اکثر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها که نیازمند هماهنگی‌های بین بخشی هستند باید به زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور منتقل شوند که قطعاً منطقی و قابل قبول نیست و معمولاً ایجاد هماهنگی‌های بین دستگاهی از جمله نقش‌های ذاتی هیئت وزیران است. یادآوری اینکه یکی از دلایل

---

۱. در این باره می‌توان به روند تغییرات در حوزه گردشگری اشاره کرد. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قبلاً وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و در سال ۱۳۷۷ عمده‌تاً به لحاظ برخوردار کردن سازمان مذکور از اختیارات و جایگاه معاونت رئیس‌جمهور به منظور هماهنگی‌های بین بخشی و بین دستگاهی، انتزاع آن از وزارت مذکور اجرا شده است. با این حال، ناکارآمدی سازمان مزبور قانونگذار را بر آن داشت تا طرح تبدیل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را در مسیر تصویب قرار دهند.

طراحان طرح ادغام سازمان ملی جوانان و سازمان تربیت بدنی **تعدد معاونت‌های ریاست جمهوری**، وقت‌گیر بودن این معاونت‌ها برای رئیس‌جمهور، پرداختن به امور فرعی و حاشیه‌ای جوانان به جای حل مسائل اساسی و کلیدی آنها و عدم پاسخگویی رؤسای این سازمان‌ها به قانونگذار بود. **علاوه بر موارد فوق‌الذکر، به استناد ماده (۳) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت<sup>۱</sup>، معاون رئیس‌جمهور حق رأی ندارد.** به علاوه، از منظر حقوقی نیز انتزاع امور جوانان از وزارت متبوع و تشکیل سازمان ملی جوانان به عنوان معاونت رئیس‌جمهور واجد اشکال است؛ زیرا مغایر با سیاست کوچک‌سازی است و موجبات حجیم و بزرگ شدن نظام اداری و اجرایی کشور را فراهم می‌آورد. با این حال، تشکیل سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان - مشروط به موافقت دولت (جهت رفع ایراد اصل هفتادوپنجم قانون اساسی) - وابسته به ریاست‌جمهوری و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری با شرح وظایف و اختیارات قانون و با امکانات، نیروی انسانی، پست‌های سازمانی، اموال موجود و سایر دارایی‌های منقول و غیرمنقول با رعایت اصل عدم توسعه تشکیلاتی (جهت رعایت حکم ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه می‌تواند مفیدتر از سازمان ملی سابق باشد.

۱. اعضای صاحب رأی دولت عبارتند از: رئیس‌جمهور، وزرا، معاون اول رئیس‌جمهور در زمانی که اداره جلسه هیئت دولت به عهده اوست.

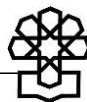


## د) سناریوی چهارم؛ ادغام امور جوانان با معاونت امور زنان و خانواده و تشکیل وزارت زنان، خانواده و جوانان

برخی بر این عقیده‌اند که امور جوانان و امور زنان و خانواده - هر دو - فرابخشی و بخشی می‌باشند و از این جهت که نیمی از جمعیت جوان کشور را زنان تشکیل می‌دهند، تشکیل وزارتی با نام مذکور می‌تواند مسائل این اقشار را پیگیری کند. اما بعضی نیز معتقدند مأموریت‌ها و مطالبات این اقشار در چند دستگاه اجرایی مختلف تقسیم و پراکنده شده‌اند، لذا یک وزارت واحد نمی‌تواند پاسخگوی مسائل فرابخشی فوق‌الذکر و نیازهای آنها باشد. مضاف بر این، مسائل دو حوزه جوانان (مسکن، اشتغال و ازدواج، مشارکت اجتماعی و اوقات فراغت) با مسائل زنان و امور خانواده (از جمله امور رفاهی و تأمین اجتماعی و حمایت‌های حقوقی) ماهیتاً قابل جمع با هم نیستند. به علاوه، با توجه به اینکه سهم خانواده در تکامل و تعالی انسان نقشی اساسی و چشمگیر است و برپایی نهاد خانواده شاخصه اصلی یک اجتماع زنده و رو به رشد است و از سوی دیگر مسائل و مباحث حوزه زنان به عنوان نیمی از جامعه کشورمان بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین تلاقی سه حوزه زنان، خانواده و جوانان در قالب یک وزارت منجر به حذف معنوی مسائل جوانان می‌شود، چراکه حوزه نظر هر سه بخش، بسیار وسیع و متنوع بوده و احتمال می‌رود امور جوانان در این ساختار به حاشیه و محاق رفته و دچار فراموشی مفرط شود. همچنین، اینکه وزیر مربوطه، مرد جوان باشد یا زن جوان، می‌تواند به یک مناقشه سیاسی و دو قطبی اجتماعی مرد - زن تبدیل شود.

## هـ) سناریوی پنجم؛ ادغام امور جوانان با وزارت کشور و تشکیل سازمان ملی جوانان تابع وزارت کشور

توجه به سناریوی فوق از این جهت که سلسله‌مراتب اداری و ساختار تشکیلاتی وزارت کشور در سطوح استان‌ها با دیگر وزارتخانه‌ها متفاوت است و استاندار مقام مقرر در بند «د» ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و بالاترین مقام سیاسی و اجرایی استان است و نیز سطوح اختیارات استانداری گسترده‌تر از مدیر کل یک دستگاه اجرایی است، حائز اهمیت می‌باشد. در همین راستا، رصد و پیگیری مأموریت‌های فرابخشی جوانان از سوی استاندار و فرماندار به عنوان عالی‌ترین نماینده دولت در سطح استان و شهرستان در قالب شورای برنامه‌ریزی استان و شورای اداری استان و شهرستان جهت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت امور فرابخشی و بین‌بخشی، قابلیت عملیاتی شدن و حصول نتیجه مطلوب‌تری را در پی دارد. به علاوه، در حال حاضر رئیس ستاد ساماندهی امور جوانان، استاندار است و در صورت استقرار این ساختار در استانداری، امکان رسیدگی و پیگیری جدی‌تر جلسات و برنامه‌های اتخاذ شده از سوی ایشان میسر می‌شود. از تعدد و تشتت مراجع صدور مجوز تشکل‌ها جلوگیری شده و موجب تمرکز فعالیت تشکل‌ها و احزاب در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود (اصل وحدت رویه در ساماندهی سمن‌ها). همچنین اداره امور خانه‌های جوان جهت غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان، نیازمند هم‌افزایی و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی از جمله سازمان‌های دولتی، تشکل‌های غیردولتی، شهرداری‌ها و نیروی انتظامی است. با این اوصاف، مخالفان این سناریو معتقدند که وزارت کشور با دامنه و گستره فعالیت‌های سیاسی و امنیتی، نمی‌تواند ساختار مناسبی برای ساماندهی امور جوانان - با نیازها و مطالبات اجتماعی و رفاهی - باشد.



## و) سناریوی ششم؛ حذف ساختار امور جوانان

ایجاد و تأسیس ساختار متولی امور جوانان در اواخر دهه هفتاد بر حسب اقتضات اجتماعی و سیاسی روز در دستور رسیدگی قرار گرفت. با توجه به ناکارآمدی ساختارهای مربوط در قالب سازمان ملی جوانان و وزارت ورزش و جوانان برای حل مسائل اساسی جوانان و نظر به اینکه نیازها و مطالبات جوانان (از جمله اشتغال، ازدواج، مسکن، مشارکت اجتماعی و اوقات فراغت) در دستگاه‌های اجرایی مختلف پراکنده شده‌اند، ایجاد ساختار مستقل برای امور جوانان محل تردید و تأمل است. به علاوه وجود ساختارهایی مانند شورای عالی جوانان، شورای عالی پول و اعتبار و شورای عالی اشتغال، ستاد ساماندهی امور جوانان و معاونت زنان و امور خانواده، تردید در این باره را دو چندان می‌نماید.

### جمع‌بندی و پیشنهاد

نکته مبنایی در خصوص کلیات طرح، این است که انتزاع امور جوانان از یک وزارتخانه و ایجاد آن به صورت سازمانی وابسته به ریاست‌جمهوری (بازگشت به ساختار سازمانی سابق)، ممکن است موجبات تضعیف نظارت و پاسخگویی در خصوص این امور به ویژه از طریق سازوکارهای در اختیار مجلس شورای اسلامی را فراهم آورد. به علاوه، از منظر حقوقی، ایراد اصل هفتادوپنجم و یکصدوبیست و چهارم قانون اساسی و رعایت حکم بند «الف» ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه محل تأمل است. بنابراین کلیات طرح ارائه شده قابل پذیرش نیست.

با این حال، از این حیث که کارآمدی اجرایی و بوروکراسی نظام اداری، تابع علل و عواملی است که ساختار و تشکیلات سازمانی یک وجه آن می‌باشد، پیشنهاد می‌شود انتظارات قوه قانونگذاری از ساختار متولی امور جوانان در قالب مأموریت‌ها، وظایف، اختیارات و حمایت‌های حقوقی حوزه مربوط به صورت قانونی تصویب شود و سرانجام بازتعریف و بازآرایی ساختار کلان کشور مورد توجه قرار گیرد. لکن در صورت اصرار نمایندگان محترم مبنی بر کارآمدی ساختار متولی امور جوانان پیشنهاد می‌شود، سازمان امور جوانان تابع وزارت ورزش و جوانان با ماهیت حقوقی و مالی مستقل در قالب لایحه اهداف و وظایف وزارت ورزش و جوانان ایجاد شود. در غیر این صورت «سازمان امور جوانان» مشروط به موافقت دولت و رعایت اصل عدم توسعه تشکیلاتی با شرح وظایف مشخص و قانونی در دستور رسیدگی قرار گیرد. در این صورت «الگوی خدمات عمومی» یا «مشارکت شبکه‌ای» متشکل از سه ضلع «شورای عالی جوانان» جهت سیاستگذاری در امور جوانان، «سازمان امور جوانان» و «ستاد ساماندهی امور جوانان» به عنوان رکن برنامه‌ریزی‌کننده، هماهنگ‌کننده و تنسيق‌دهنده امور جوانان و «مجمع ملی جوانان» و «تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد» به عنوان بازوی اجرایی، مشورتی و تصمیم‌سازی در امور مربوط می‌تواند به کارآمدی و اثربخشی ساختار مزبور کمک کند.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۴۶۴

شناسنامه گزارش

**عنوان گزارش:** اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح انتزاع امور جوانان از وزارت ورزش و جوانان و تشکیل سازمان ملی جوانان» (کلیات)

**نام دفتر:** مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

**تهیه و تدوین کنندگان:** صادق ستاری فرد، مهدی مرادی

**همکاران:** فهیمه غفرانی، علی شاهرخی، محمدمهدی زرافشان، محمد جواهری طهرانی،

سید محمدحسین قریشی

**ناظر علمی:** سینا کلهر

**متقاضی:** کمیسیون اجتماعی

**ویراستار تخصصی:** —

**ویراستار ادبی:** —



**واژه‌های کلیدی:**

۱. جوانان

۲. انتزاع

۳. ساختار

۴. سازمان ملی جوان

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۳/۱۳